



راه حل پارادایمی

نگاه کلان به مسئله بازنشستگی و میان سالی کمک کننده اصلی برای خروج از بحران است

تعریف بحران صندوق های بازنشستگی، خود یک مسئله و راه حل این بحران، مسئله ای دیگر است. در حال حاضر با جدی تر شدن بحران این صندوق ها در کشور، راه حل هایی نظیر اصلاحات پارادایمی، پارامتریک و برقراری نظام چندلایه در این صندوق ها مطرح است. محمد حسین عمادی که سال ها است در حوزه صندوق های بازنشستگی تحقیق می کند تأکید فراوان دارد و معتقد است اصلی ترین مشکل صندوق های بازنشستگی در کشور ما، بحران معرفتی است که فقط از طریق اصلاحات پارادایمی قابل برطرف شدن است. به گفته او، تأکید صرف روی بحران های مالی و حسابداری، تنها راه حل برای تکیه زدن بر بودجه عمومی دولت است و با تغییر در نگرش ها می توان راه حل های جدیدتر و کارآمدتری یافت.

با توجه به اینکه راه حل بسیاری از کارشناسان برای رفع چالش صندوق های بازنشستگی انجام اصلاحات پارامتریک عنوان می شود و از سوی دیگر برخی معتقدند این اصلاحات به کلی بی اثر بوده و نیازمند اصلاحاتی از جنس پارادایمی هستیم که نظامی کلی تر و شاید وضعیت بلندمدت تری را نشانده می گیرد. نظر شما در این باره چیست؟

به اعتقاد من در سطح استراتژی کلان دوراه حل برای برطرف کردن مشکلات صندوق ها وجود دارد. تمام راه حل هایی که عمدتاً از سوی بانک جهانی و حتی مدیران ارائه می شود، عمدتاً پارامتریک است. به این معنی که بر باورهای قبلی خود نسبت به بازنشستگی، بازنشستگان و سالمندان باقی بمانیم؛ اما مکانیسم های اجرایی را تغییر دهیم؛ برای مثال یک اهرم و یک سنگ داریم و همه بر این باورند که سنگ همان

سنگ با همان وزن باشد؛ اما راه حل جابه جاکردن سنگ، بزرگ تر کردن اهرم است. در اصلاحات پارامتریک اعتقاد بر این است که پول و امکانات بیشتری در صندوق ها هزینه شود تا سنگ جابه جا شود. پس مشکل همان مشکل است و هیچ بازتعریفی از آن ارائه نمی شود و محل قرارگرفتن اهرم هم همان است؛ اما به اعتقاد من اگر بخواهیم مشکل را برطرف کنیم، باید نگاه دوجانبه ای داشته باشیم. هم باید سنگ و مانع را به گونه ای دیگر دید و هم باید محل قراردادن اهرم و نوع آن را تغییر داد. ما به این روش اصطلاحاً، «اصلاحات پارادایمی» می گوئیم. پارادایم یا انگاره نوع نگرش کلان ما به واقعیت ها است. اگر نوع نگرش کلان خود به واقعیت ها را عوض نکنیم، کماکان از همان ابزار قدیمی ولی با انرژی و پول بیشتر استفاده می کنیم. در رانندگی تا زمانی که فقط گاز می دهیم، اصلاحات پارامتریک است و گاز، بنزین و اکسیژن بیشتر برای یک ماشین استفاده می شود؛ اما اگر دنده را تغییر دهیم و مسیر را عوض کنیم، می شود اصلاحات پارادایمی. بنابراین در اصلاحات پارادایمی، انگاره و شیوه نگرش در محیط وسیع تری قرار می گیرد و مجموعه سیاست ها به نحوی تغییر می کند تا با مشکل به گونه ای دیگر و از زاویه ای دیگری مواجهه شود.

البته این کار برای عده ای بسیار سخت است؛ زیرا خواستار راه حل ساده تری بوده و فقط به دنبال یک اهرم بزرگ تر برای جابه جاکردن همان سنگ قبلی هستند. با وضعیت موجود در صندوق ها در ایران هیچ اهرم بزرگ تری نمی تواند به ما کمک کند و تنها راه حل باقی مانده همان تغییر نگرش یا اصلاحات پارادایمی است. لازمه چنین تحولی، انسجام، جامع نگری و هماهنگی است و باید بپذیریم که برداشت هایمان را نسبت به واقعیت ها تغییر دهیم.